

---

## بررسی جامعه شناختی نقش زن در کشاورزی ایران

---

دکتر عبدالعلی لهسایی زاده

(دانشیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز)



---

هدف مقاله حاضر بررسی میزان اهمیت نقش زنان در بخش کشاورزی است. برای این منظور، نخست جایگاه زنان در اشتغال روستایی و در نتیجه سهم آنان در ارزش افزوده اقتصاد روستایی مشخص شده است. سپس نقش و تأثیر زن در بخش کشاورزی و فعالیتهای مرتبط با آن به طور مجزا بررسی شده و از این طریق ارزش واقعی زنان کشاورز نمایان شده است.

---

## مقدمه

اخیراً جامعه شناسی کشاورزی، اهمیت بررسی نقش زنان در جامعه کشاورزی را صراحتاً متذکر شده است<sup>(۱)</sup>. در همین رابطه جامعه شناسان کشاورزی به این نتیجه رسیده‌اند که بدون شک نقش زنان در بخش کشاورزی به اگر از مردان بیشتر نباشد، کمتر نیست. آنها براین باورند که در رابطه با نقش زنان در بخش کشاورزی، ۴ مسأله اساسی باید مورد پژوهش قرار گیرد. مسأله اول، ماهیت و وسعت مشارکت زنان در کارهای مربوط به مزرعه، خانه و خارج از مزرعه است. بررسی این مسائل، جنبه توصیفی دارد و در واقع بیشتر حجم پژوهش به نشان دادن توزیع فراوانی فعالیت‌ها، اختصاص می‌یابد. در این گونه پژوهشها، سهم زنان در تولید درآمد خانوار محاسبه و معمولاً با سهم مردان مقایسه می‌شود. به دیگر سخن، تقسیم کار اجتماعی براساس جنس در جوامع کشاورزی ترسیم می‌شود.

مسأله دوم، بررسی فرایند تغییر نقش زن در خانه، مزرعه و خارج از مزرعه است. گروهی از پژوهشگران سعی دارند نشان دهند که با تغییر در ابعاد خانواده، اندازه مزرعه، نوع تکنولوژی کشاورزی و محصولات، نقش زنان در سه بعد خانه، مزرعه، و خارج از مزرعه، چه مقدار تغییر می‌کند. از یکسو، با کوچک شدن بعد خانوار، چه تغییری در میزان مشارکت زنان در کار مربوط به مزرعه به وجود می‌آید، از سوی دیگر، با کوچکتر شدن اندازه مزرعه، زنان تا چه اندازه به مشاغل خارج از مزرعه می‌پردازند، و بالاخره، با تکنولوژیهای جدید کشاورزی و هرچه بیشتر مکانیزه شدن مزارع، سهم زنان به صورت گردانندگان ماشین آلات و ابزار مدرن کشاورزی، به چه صورتی ظاهر می‌شود.

مسأله سوم، بررسی رابطه و همبستگی کار زنان در مزرعه و خارج از مزرعه با میزان مشارکت مردان در این امور است. برای این منظور، عوامل متعددی مورد پژوهش قرار می‌گیرد. مثلاً بررسی خواهد شد که بین کار زنان و مردان در مزرعه با اندازه مزرعه، چه نوع همبستگی وجود دارد. و یا بین کار زنان و مردان در خارج از مزرعه با حجم کار در مزرعه چه رابطه‌ای وجود دارد. به دیگر سخن، پایگاه شغلی زنان به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود و سایر عوامل به صورت متغیر مستقل به کار می‌رود.

مسأله چهارم، بررسی استفاده نظام سرمایه‌داری از نیروی کار زنان به عنوان یک نیروی کار ارزان و استثمار مضاعف آنها نسبت به مردان در بخش کشاورزی است. در این رابطه، ماهیت مرد محوری بخش کشاورزی که به فرایند استثمار هرچه بیشتر زنان کمک می‌کند، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این قسمت است که نقش مرئی و نامرئی زنان در صحنه کشاورزی مشخص می‌شود. آیا همچنان که نقش زنان در توسعه کشاورزی رو به افزایش است، اهمیت آن نیز افزایش می‌یابد؟

به علت اهمیت روزافزون نقش زنان در جامعه روستایی به طور کلی و در جامعه کشاورزی به طور اخص است که پیشنهاد می‌شود، رشته تخصصی ویژه‌ای به نام «جامعه‌شناسی زنان روستایی» ایجاد شود تا به طور عمقی و پهنانگر، به کشف و شناساندن نقش زن در جامعه روستایی نایل آید. در ایران، گهگاه، نقش زنان در اشتغال جامعه روستایی بررسی شده است که در این رابطه می‌توان از مطالعات مشهور، رجیبی، و بنی‌هاشم، نام برد<sup>(۱)</sup>، که بیشتر جنبه‌های محدودی از نقش زن را در نظر گرفته‌اند. یک مطالعه نسبتاً جامع، مربوط به جهاد سازندگی است که در آن نقشهای چندگانه زن روستایی ترسیم شده است. متأسفانه مطالعه مذکور بسیار توصیفی است<sup>(۲)</sup>. همچنین اخیراً جهاد سازندگی اقدام به نشر یک دسته مقالات تحقیقی پیرامون نقش زنان در روستاهای ایران کرده که مورد تقدیر است. نگارنده، پژوهشی پیرامون «نقش زنان در اقتصاد روستایی ایران» به عمل آورده که به عنوان فصلی از کتاب جامعه‌شناسی توسعه روستایی، زیر چاپ است<sup>(۳)</sup>. در این تحقیق نقش زنان روستایی از ۳ بعد کشاورزی، صنعت و خدمات مورد بررسی قرار گرفته است.

هدف اصلی مقاله حاضر بررسی اختصاصی میزان اهمیت نقش زنان در بخش کشاورزی است. برای این منظور، ابتدا جایگاه زن در اشتغال روستایی به طور کلی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا سهم زن در ارزش افزوده اقتصاد روستایی و در مقایسه با جامعه شهری مشخص شود. ضمناً در این بخش، مقایسه‌ای بین زنان و مردان روستایی صورت می‌گیرد. سپس نقش و تأثیر زن در بخش کشاورزی و فعالیتهای مربوط به آن، به طور مجزا و اکاوی می‌شود تا از آن طریق، و در حد اختصار، پاسخی به مسائل مطرح

شده به وسیله جامعه‌شناسان کشاورزی داده شود، یا به دیگر سخن، بابت جهت بحث پایگاه زن در اقتصاد کشاورزی، باز شود.

### جایگاه زن در اشتغال روستایی ایران

براساس سالنامه آماری سال ۱۳۷۰، تعداد جمعیت زنان روستایی کشور ۱۱۴۹۱۶۹۳ نفر در مقابل ۱۲۱۴۴۸۹۸ نفر مرد روستایی است<sup>(۵)</sup>. نسبت جنسی در نقاط روستایی ۱.۴ است که کمتر از نسبت جنسی در شهرها (۱.۵) است. این جمعیت در گروه‌های سنی چهارده‌گانه به ترتیبی که در جدول یک آمده پراکنده است. همچنان که از جدول برمی‌آید بالاترین درصد جمعیت زنان در گروه سنی ۹ - ۵ سال (۱۶/۸ درصد) و کمترین آن در گروه سنی ۶۴ - ۶۰ (۲/۴ درصد) قرار دارد. با توجه به تعداد زنان در گروه‌های سنی زیر ۲۰ سال و بالای ۵۰ سال، چنین به نظر می‌رسد که زنان روستایی در ایران جمعیت جوانی را تشکیل می‌دهند. (۲۳ درصد از کل جمعیت کشور و ۴۹ درصد از کل جمعیت زنان کشور)<sup>(۶)</sup>

آمار و ارقام بالا اهمیت زنان روستایی را در نظام‌های بازتولیدی نمایان می‌سازد. زنان روستایی در ۳ نظام بازتولیدی (بازتولید زیست‌شناختی، بازتولید نیروی کار، بازتولید اجتماعی)، به‌طور اساسی و تعیین‌کننده، مشارکت دارند<sup>(۷)</sup>. در رابطه با بازتولید زیست‌شناختی، بارداری و تولیدمثل در واقع تکثیر نیروی کار است که باعث گردیده تا به زنان در روستاها به‌عنوان موجود با ارزش نگریسته شود. به‌علت خصلت‌کاربر بودن اکثر نظام‌های بهره‌برداری (چه در زمینه کشاورزی و چه در سایر زمینه‌ها)، یکی از نقش‌های اساسی و فرهنگی زنان در روستاها، بازتولید زیست‌شناختی نیروی کار است. ازدواج زنان روستایی در سنین پایین مبین این ادعا می‌تواند باشد.

زنان روستایی با نگهداری از فرزندان، تهیه غذا، تمیز کردن منزل، تیمارداری از مریضان و مسنها و غیره، در واقع به بازتولید نیروی کار می‌پردازند. در حقیقت زنان روستایی هستند که با تلاش‌های بی‌وقفه خود محیط زندگی را جهت ادامه حیات نیروی کار تنظیم می‌کنند.

بالاخره باید خاطر نشان ساخت که زنان با مشارکت در تولید، در واقع در بازتولید اجتماعی سهم مهمی دارند. در رابطه با زنان روستایی، جدا کردن فرایند تولیدی و بازتولیدی روستایی تا حدودی مشکل است. جریان بازتولید اجتماعی شامل تعدادی از وظایف تولیدی است که با ساختار خانه گره خورده است. مراقبت از حیوانات اهلی، کار کشاورزی، تولید محصولات صنعتی و ارائه خدمات مختلف مثل آب آوردن و تهیه هیزم، همه و همه از عوامل اصلی بازتولید اجتماعی است که عمدتاً بر دوش زنان روستایی است و به همین لحاظ ارزش بازتولیدی زنان روستایی را دوچندان می‌کند. در واقع بازتولید اجتماعی به وسیله زنان رجوع به دائمی کردن و بازآفرینی روابط تولیدی اصلی در جامعه روستایی است.

جدول ۱: جمعیت روستایی برحسب گروه‌های سنی به تفکیک جنس، مهرماه ۱۳۷۰

زن		مرد		گروه سنی	ردیف
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۱۶	۱۸۳۹۷۴۵	۱۵/۸	۱۹۲۶۰۵۷	۰ - ۴	۱
۱۶/۸	۱۹۲۵۵۹۰	۱۶/۵	۲۰۰۹۱۰۴	۵ - ۹	۲
۱۴	۱۶۲۹۴۶۸	۱۲/۴	۱۷۴۹۶۶۱	۱۰ - ۱۴	۳
۱۱/۴	۱۳۰۰۹۰۸	۱۱/۶	۱۴۱۰۳۳۰	۱۵ - ۱۹	۴
۸/۴	۹۶۲۳۰۰	۸/۶	۱۰۵۳۸۵۱	۲۰ - ۲۴	۵
۶	۷۱۱۲۰۲	۵/۸	۷۱۴۳۳۳	۲۵ - ۲۹	۶
۵/۴	۶۱۶۳۵۸	۵	۶۰۸۵۵۴	۳۰ - ۳۴	۷
۴/۵	۵۱۹۴۰۰	۴	۴۸۶۱۷۵	۳۵ - ۳۹	۸
۳/۵	۴۰۲۷۳۱	۳/۳	۳۸۲۵۳۳	۴۰ - ۴۴	۹
۲/۸	۳۲۰۳۷۰	۲/۳	۲۹۱۰۸۱	۴۹ - ۴۵	۱۰
۲/۹	۳۲۹۶۱۷	۲/۷	۳۳۷۴۷۹	۵۰ - ۵۴	۱۱
۲/۶	۲۹۲۱۳۰	۳/۱	۳۵۱۸۳۲	۵۵ - ۵۹	۱۲
۲/۴	۲۷۱۵۹۶	۲/۸	۳۴۵۹۶۱	۶۰ - ۶۴	۱۳
۳/۲	۳۶۱۷۰۵	۴	۴۹۵۷۴۲	۶۵ و بیشتر	۱۴
۰/۱	۸۵۷۳	۰/۱	۱۰۹۰۵	نامشخص	
۱۰۰	۱۱۴۹۱۶۹۳	۱۰۰	۱۲۱۴۴۸۹۸	جمع کل	
-	۲۱/۲۹	-	۲۱/۷۲	میانگین سنی	

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۱ (ب): ۱ - ۴۸.

گرچه اهمیت بازتولیدی زنان روستایی بر کسی پوشیده نیست، اما شاخصهایی مانند سواد نشانگر این امر است که به زنان روستایی اهمیت اجتماعی در خور نقش بازتولیدی آنها داده نمی‌شود. زنان روستایی از نظر سوادآموزی در محرومیت به سر می‌برند چرا که، براساس آمارهای سال ۱۳۶۵ از ۹۸۳۵۲۹۹ نفر زنان باسواد موجود تنها ۳۰۸۳۸۹۰ نفر آنان زنان روستایی بوده‌اند (۳۱ درصد) که سطح سواد آنان نیز عمدتاً ابتدایی یا کلاسهای نهضت سوادآموزی بوده است. در همین سال تعداد ۹۰۱۳۸۹۶ نفر زن روستایی بی‌سواد بوده‌اند. در واقع تنها حدود ۲۵ درصد زنان روستایی سواد دارند و بقیه (۷۵ درصد) بی‌سواد هستند. نه تنها درصد زنان روستایی بی‌سواد نسبت به زنان شهری بی‌سواد، بسیار بالاست، بلکه درصد زنان بی‌سواد روستایی نسبت به مردان بی‌سواد روستایی نیز بالا می‌باشد (۵۳/۷ درصد زن روستایی بی‌سواد در مقابل ۴۶/۳ درصد مرد روستایی بی‌سواد وجود دارد)<sup>(۸)</sup>.

سهم و نقش زن روستایی در اشتغال، در نتایج سرشماریهای نفوس و مسکن به‌طور واقعی نشان داده نشده است. شاید دلیل آن، تعریفی باشد که از اشتغال ارائه شده است. مثلاً در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵، شاغلان ده ساله و بیشتر نقاط روستایی، در بخش کشاورزی حدود ۲/۸ میلیون نفر اعلام شده که از آن ۲/۶ میلیون نفر مرد و تنها ۲۴۳ هزار نفر زن می‌باشند. اما این نتیجه‌گیری درست نیست زیرا در کشوری مانند ایران زنان روستایی تا ۵۰ درصد شاغلان بخش کشاورزی را هم تشکیل می‌دهند<sup>(۹)</sup>.

بنابر تعریف «سازمان جهانی کار»، شخص شاغل کسی است که یا در حال کارکردن است و یا اینکه شغلی دارد ولی موقتاً بیکار است. همچنین تمام کارکنان خانوادگی بی‌مزد جزو اشخاص شاغل به حساب می‌آیند<sup>(۱۰)</sup>. اگر ما چنین تعریفی را بپذیریم، باتوجه به اینکه در روستاها دختر بچه‌ها معمولاً از سن شش سالگی در فرایندهای تولیدی مختلف مشارکت دارند، و با عنایت به این نکته که وظیفه خانه‌داری، خود در بازتولید نیروی انسانی تعیین‌کننده است، بنابراین تمام زنان روستایی در سن کار، باید شاغل محسوب شوند. متأسفانه آمارگیرها چون بر مبنای تعاریف جامع و مانع نیست، نقش واقعی زن روستایی در اشتغال را نشان نمی‌دهند.

اکثر زنان روستایی ایران، به عوض اینکه بیکار باشند، در واقع بیش از حد معمول کار می‌کنند. تنها چیزی که احتیاج دارند این است که وظایف سنگین روزمره آنان مورد شناسایی قرار گیرد و از لحاظ

اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه نامه نقش زنان در کشاورزی

محاسبه نیروی کار به رسمیت شناخته شوند. جدول ۲ آمار رسمی جمعیت زنان روستایی فعال، شاغلان و بیکاران ۶ ساله و بیشتر برحسب گروههای سنی در سال ۱۳۶۵ را نشان می دهد. در این جدول، زنان خانه دار روستایی همچون زنان خانه دار شهری جزو جمعیت غیرفعال طبقه بندی شده اند. جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر غیرفعال زنان روستایی براساس آمارگیری رسمی سال ۱۳۶۵، ۶۵۲۵۰۰۰ نفر اعلام شده که ۷۵ درصد جمعیت غیرفعال روستایی به حساب آمده است. جمعیت غیرفعال شامل، محصلان، خانه داران، افراد دارای درآمد بدون کار می باشند. تعداد ۸۳۸۰۰ نفر محصل، ۵۰۵۶۰۰ نفر خانه دار و ۶۱۰۰۰ نفر دارای درآمد بدون کار هستند. اگر کل زنان خانه دار روستایی را جزو جمعیت شاغل در نظر نگیریم، در نتیجه زنان روستایی تنها ۱۰ درصد جمعیت فعال و ۹ درصد جمعیت جدول ۲: جمعیت فعال، شاغلان و بیکاران ۶ ساله و بیشتر زنان روستایی برحسب گروههای سنی، ۱۳۶۵

بیکار جوبای کار	شاغلین		جمعیت فعال	گروههای سنی
	تعداد	میزان اشتغال (درصد)		
۰	۲۶۰۰۰	۱۰۰	۲۶۰۰۰	۶ - ۹
۳۶۰۰۰	۳۹۰۰۰	۵۲	۷۵۰۰۰	۱۰ - ۱۱
۹۹۰۰۰	۱۵۹۰۰۰	۶۱/۹	۲۵۷۰۰۰	۱۲ - ۱۴
۲۳۶۰۰۰	۶۲۳۰۰۰	۷۲/۵	۸۵۹۰۰۰	۱۵ - ۱۹
۱۳۹۰۰۰	۷۲۳۰۰۰	۸۳/۸	۸۶۳۰۰۰	۲۰ - ۲۴
۶۵۰۰۰	۶۴۹۰۰۰	۹۰/۹	۷۱۴۰۰۰	۲۵ - ۲۹
۳۴۰۰۰	۵۲۳۰۰۰	۹۳/۹	۵۵۷۰۰۰	۳۰ - ۳۴
۲۱۰۰۰	۳۸۳۰۰۰	۹۴/۸	۴۰۴۰۰۰	۳۵ - ۳۹
۱۵۰۰۰	۳۲۵۰۰۰	۹۵/۶	۳۴۰۰۰۰	۴۰ - ۴۴
۱۶۰۰۰	۳۴۹۰۰۰	۹۵/۶	۳۶۵۰۰۰	۴۵ - ۴۹
۱۸۰۰۰	۳۸۸۰۰۰	۹۵/۶	۴۰۶۰۰۰	۵۰ - ۵۴
۱۸۰۰۰	۳۲۱۰۰۰	۹۴/۷	۳۳۹۰۰۰	۵۵ - ۵۹
۱۷۰۰۰	۲۷۸۰۰۰	۹۴/۲	۲۹۵۰۰۰	۶۰ - ۶۴
۲۶۰۰۰	۲۲۵۰۰۰	۹۰	۲۵۰۰۰۰	۶۵ <
۱۰۰۰	۲۰۰۰	۸۰/۶	۳۰۰۰	نامشخص
۷۴۰۰۰۰	۵۰۱۳۰۰۰	۸۷/۱	۵۵۷۳۰۰۰	جمع کل

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۱ (الف): ۶۸.

شاغل روستایی را تشکیل می‌دهند<sup>(۱۱)</sup>. به دیگر سخن، زنان روستایی درصد بسیار بالایی از جمعیت غیرفعال (۷۵ درصد) را تشکیل می‌دهند. به نظر می‌رسد چنین محاسبه‌ای صحیح نباشد زیرا در جامعه روستایی ایران، خانه‌داری شامل کارهایی است که در نفس عمل، فعالیت اقتصادی هستند. با احتساب زنان خانه‌دار روستایی در جمعیت شاغل، در واقع از هر یکصد زن روستایی، ۹۴/۷ درصد شاغل خواهند بود. این آمار گویای این حقیقت است که در ایران زنان روستایی بالاترین سهم اشتغال را دارند. اگر آمارگیری رسمی مملکت را دوباره مبنا قرار دهیم، توزیع زنان روستایی شاغل در ۳ بخش عمده فعالیت اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات) در مقایسه با مردان روستایی، مردان و زنان نقاط شهری، و در مجموع کل کشور به گونه‌ای خواهد بود که در جدول ۳ آمده است. براساس آمار موجود در جدول ۳، زنان روستایی در بخش کشاورزی، ۷/۶ درصد از کل نیروی کار کشاورزی کشور و ۸/۷ درصد از نیروی کار کشاورزی مناطق روستایی را تشکیل می‌دهند. زنان در بخش صنایع روستایی، ۵/۶ درصد از کل نیروی کار بخش صنعت کشور و ۱۵/۳ درصد از نیروی کار بخش صنایع روستایی را تشکیل می‌دهند. و بالاخره، زنان روستایی در بخش خدمات، ۰/۸۵ درصد از کل نیروی کار در بخش خدمات کشور و ۳/۸ درصد از نیروی کار بخش خدمات روستایی را تشکیل می‌دهند. در مجموع ۵۴ درصد زنان روستایی در بخش کشاورزی، ۳۴/۵ درصد در بخش صنعت و ۹ درصد در بخش خدمات مشغول به کار می‌باشند. در اینجا باید دوباره خاطرنشان ساخت که زنان خانه‌دار در بخش خدمات محاسبه نشده‌اند درحالی‌که با احتساب آنها سهم زنان در بخش خدمات هم در سطح کشور و هم در روستاها بیش از این ارقام خواهد بود.

اشتغال زنان روستایی را می‌توان در قالب طبقات اجتماعی نیز قرار داد. براساس آمارگیری رسمی

۱۳۶۵، زنان روستایی در ۴ پایگاه مختلف اجتماعی تقسیم‌بندی شده‌اند:

- ۱) کارفرمایان (۸۰۰۰ نفر، ۱/۸ درصد)، ۲) کارکنان مستقل (۱۳۱۰۰۰ نفر، ۲۸/۸ درصد)، ۳) مزدبگیران (۹۷۰۰۰ نفر، ۲۱/۳ درصد)، و ۴) کارکنان خانوادگی بدون مزد (۱۹۹۰۰۰ نفر، ۴۳/۷ درصد).<sup>(۱۲)</sup> با توجه



اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه نامه نقش زنان در کشاورزی

جدول ۳: شاغلان ۶ ساله و بیشتر برحسب گروههای عمده فعالیت، جنس، نقاط شهری و روستایی، ۱۳۶۵ (هزار نفر)

نقاط روستایی		نقاط شهری		کل کشور				گروههای عمده فعالیت		
				مرد و زن		مرد	زن		مرد	زن
				تعداد	درصد					
تعداد	درصد	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	کشاورزی		
۲۴۷	۵۴	۲۵۹۴	۱۳	۳۰۰	۲۶۳	۲۹۴۶	۲۹/۱	۳۲۰۹		
۱۵۷	۳۴/۵	۸۶۶	۷۱	۱۶۹۵	۲۲۸	۲۵۶۶	۲۵/۲	۲۷۹۰		
۴۰	۹	۹۹۴	۴۰۸	۳۲۲۷	۴۴۸	۴۲۲۴	۴۲/۴	۴۶۷۲		
۱۲	۲/۵	۱۰۴	۳۶	۲۱۲	۴۸	۳۱۷	۳/۳	۳۶۴		
۴۵۵	۱۰۰	۴۵۵۸	۵۲۷	۵۴۳۳	۹۸۷	۱۰۰۴۹	۱۰۰	۱۱۰۳۶		

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۱ (الف): ۷۳.

به آمار و ارقام عرضه شده، ملاحظه می شود اولاً سهم زنان در طبقه خود - اشتغالی نسبت به پایگاه کارگری و کارفرمایی بیشتر است. ثانیاً درصد بالایی از زنان روستایی در مقوله کارکنان خانوادگی بدون مزد قرار گرفته اند که این رقم خود گویای وجود یک مشکل اساسی در تعریف و تشخیص هویت کارکنان خانوادگی بدون مزد است. متأسفانه تعداد زنانی که از داشتن درآمد در روستاها محروم هستند زیاد است. گرچه آنها را در رده شاغلین به حساب آورده اند، اما عملاً از بابت کار خود دستمزدی دریافت نمی دارند. از لحاظ جامعه شناسی، درآمد داشتن زنان باعث استقلال اقتصادی - اجتماعی آنها می شود. این امر در رابطه مستقیم با اشتغال زنان است. متأسفانه در چارچوب فرهنگ روستایی ایران، آن زمان که زنان مزدی هم از بابت کار خود دریافت می دارند درآمد خود را در اختیار رئیس خانواده قرار می دهند. گرچه پتانسیل استقلال را دارند، اما عملاً به عناصر وابسته به رئیس خانوار تبدیل می شوند و این عمل بر بهبود وضعیت زنان اثرات منفی خواهد گذاشت.

موقعیت خاص زنان در اشتغال روستایی و میزان ظرفیت جوامع روستایی در جذب زنان در

فعالیت‌های مختلف، یک تحرک اجتماعی و جغرافیایی خاص به آنها داده است. زنان روستایی، پا به پای مردان روستایی در فرایند مهاجرت (به عنوان یک پدیده ناشی از تغییرات اجتماعی سریع) قرار می‌گیرند. مهاجرت زنان روستایی در ایران به دو شکل است. یا زنانی هستند که از روستا مهاجرت می‌کنند و یا کسانی که وارد روستاها می‌شوند. در سال ۱۳۶۵، تعداد ۸۹۴۳۸۷ زن روستایی ساکن در نقاط روستایی ایران، مهاجرانی بوده‌اند که طی ۱۰ سال قبل از سرشماری به نقاط روستایی وارد شده‌اند. اینها عمدتاً زنانی بوده‌اند که از سایر نقاط شهری، روستایی و یا خارج از کشور به روستاها آمده‌اند. در همان سال تعداد ۷۴۵۹۰۳ نفر زن از روستاها به شهرها مهاجرت کرده‌اند<sup>(۱۳)</sup>. مهاجرت زنان به خارج از روستا یک پدیده ساختی است که در ارتباط با انتقال در ساختار اقتصادی روستاها است. این نوع مهاجرت در واقع به اقتصاد روستایی ضررهای جبران ناپذیری می‌زند زیرا روستاها را از کارآمدترین نیروهای اقتصادی تخلیه می‌کند. ضمناً این زنان در مناطق شهری نمی‌توانند مانند جامعه روستایی مفید باشند. مهاجرت زنان به روستاها عمدتاً از روستاهای دیگر است و کمتر از جامعه شهری به روستا می‌باشد. در این گونه مهاجرت‌ها، معمولاً خانوارهای روستایی از روستاهای با سطح توسعه پایتتر به روستاهای نسبتاً آبادتر و با امکانات بیشتر مهاجرت می‌کنند. لذا از لحاظ فعالیت زنان، تغییر چندانی رخ نمی‌دهد. تذکر یک نکته در اینجا ضروری است و آن این است که در حالتی که تنها رئیس خانوار مهاجرت می‌کند، فشار کاری بر دوش زنان خانوار بیشتر می‌شود زیرا علاوه بر وظایف متعارف خود، کارهای همسر را باید در غیبت او انجام دهد و یا مسئولیت آنها را برعهده بگیرد.

### نقش و تأثیر زن روستایی در بخش کشاورزی ایران

از آنجا که زنان سهم قابل توجهی در نیروی کار کشاورزی دارند، برای کشوری مانند ایران که در صدد بهبود اقتصاد روستایی و حمایت از تولید فراورده‌های غذایی است، شناخت نقش زنان در کشاورزی بسیار حائز اهمیت است. در این بخش گرچه در بسیاری موارد زنان حتی نقش سنگینتری نسبت به مردان

دارند، اما غالباً از موقعیت و منزلت پایینتری برخوردارند و ارزش واقعی نیروی کار آنها به عنوان نیروی کار کشاورزی به درستی مشخص نیست. آنان در واقع نیروی کار نامرئی در اقتصاد کشاورزی هستند. نیروی کار زنان تا ۴۰ درصد نیروی کار کشاورزی، برآورد شده است. آمارهای غیر رسمی حاکی از آن است که زنان ۶۰ درصد در زراعت برنج، ۹۰ درصد در تولید سبزی و صیفی، ۵۰ درصد زراعت پنبه و دانه‌های روغنی، ۳۰ درصد در امور داشت باغات و ۹۰ درصد در پرورش کرم ابریشم مشارکت دارند<sup>(۱۴)</sup>. نقش زنان روستایی در تولید کشاورزی مشخص است و کلاً تقسیم کاری براساس جنس بین زنان و مردان وجود دارد، اما این امر یک قاعده کلی نیست. زنان در بخش کشاورزی در هر سه مرحله کاشت، داشت و برداشت دخالت دارند. در مرحله داشت مشاهده شده که زنان در بذرپاشی و نشاکاری مشارکت می‌کنند. در داشت نقش زنان بسیار با اهمیت است به طوری که در آبیاری پا به پای مردان کار می‌کنند، در وجین کاری و هرس کردن گیاهان از نیروهای اصلی به حساب می‌آیند. بالاخره در مرحله برداشت، تقریباً می‌توان گفت نقش زنان بسیار تعیین کننده است. البته باید خاطر نشان ساخت که سهم زنان در مراحل سه گانه بستگی به نوع کشت در مناطق مختلف دارد. به عبارت دیگر تقسیم کار براساس جنس، وابسته به درجه توسعه منطقه روستایی، میزان ارتباط محصول با بازار، و مقدار در دسترس بودن نیروی کار مردان می‌باشد. در برخی نقاط ایران، تقسیم کار کشاورزی بین زن و مرد، براساس تنوع محصول صورت می‌گیرد. مثلاً مردان در زراعت گندم و زنان در تولید توتون دخالت دارند. در بعضی نقاط دیگر، زنان و مردان نقش مکمل را ایفا می‌کنند. مثلاً در شمال ایران زن و مرد در مراحل مختلف تولید برنج انجام وظیفه می‌کنند.

فعالیت کشاورزی زنان در روستاهای ایران در سه مقطع تاریخ معاصر توسعه روستایی، تحت تأثیر عوامل توسعه‌ای بوده است. قبل از اصلاحات ارضی ۱۳۴۱، طبق قوانین عرفی موجود در ایران، زنان از دسترس به زمینهای زراعی دور نگهداشته شده بودند. برطبق سنت رایج، اگر کشاورز در نظام مزارعه به کشت و زرع مشغول بود و در عین حال مقدار نسبی زراعی اوزیاد بود، مجبور بود از نیروی کار

خانوار و از جمله نیروی کار زن خانوار استفاده کند. اگر مقدار نسق زراعی کم بود، زن خانوار در بعضی موارد مجبور به کار در مزارع سایرین به صورت دستمزدی بود. در بعضی موارد نیز زنان مجبور به کار در سایر بخشها می شدند. قبل از اصلاحات ارضی به علت سنتی بودن ابزار و وسایل تولید، در محصولات کاربر نقش زنان عمدتاً مربوط به مراحل داشت و برداشت بود. در کشت محصول، در اکثر مزارع چیدن پنبه انحصاراً در اختیار زنان بود. در همین مقطع زمانی (قبل از ۱۳۴۱)، در کشت برنج نقش زنان آشکار است. در شخم زدن و آماده کردن زمین، در ماله کشی نوبت سوم، شرکت می کردند. همچنین در تهیه کود طبیعی نقش فعالی داشته اند. تهیه بذر و آماده ساختن آن برای انتقال به خزانه کار زنان بوده است. نشاکاری یا مهمترین مرحله زراعی برنج کاملاً به وسیله زنان انجام می گرفت. وجین کاری که کاری طاقت فرسا است، به وسیله زنان صورت می گرفت. مرحله دوم درو به وسیله مردان و زنان مشترکاً و خرمن کوبی به وسیله مردان صورت می گرفت. خشک کردن برنج و پوست گیری آن اختصاصاً به عهده زنان بوده است (۱۵). بالاخره باید از مشارکت زنان در کشت گندم قبل از اصلاحات ارضی نام برد. در کشت این محصول، مراحل کاشت و داشت عمدتاً با مردان است، اما زنان به هنگام برداشت درو، خرمن کوبی، باد دادن محصول و خوشه چینی فعالانه شرکت داشتند.

اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ عاملی بود شکننده برای روابط سنتی ماقبل سرمایه داری و تسطیح کننده مسیر برای نوسازی کشاورزی و ایجاد روابط سرمایه داری. در بخش کشاورزی، گرچه زمینی به زنان واگذار نشد و در واقع بدین وسیله بخش اعظمی از نیروی کار کشاورزی از دریافت وسیله تولیدی که بر روی آن کار می کردند، محروم گشت، اما بهر جهت بر روی نقش زنان در کار کشاورزی تأثیر گذاشت. رابطه زمینداری ارباب - رعیتی تقریباً شکسته شد و دو رابطه عمده تولید دهقانی مستقل و نظامهای بهره برداری سرمایه داری ایجاد شد. در تولید دهقانی، آن جا که زمین مناسب بود، زن کشاورز مجبور بود با سایر اعضای خانوار بر روی قطعه زمین خانوادگی کار کند. در زمینهای دهقانی خرد، زنان در خارج از مزرعه خانوادگی مشغول به کار شدند. در نظامهای بهره برداری سرمایه داری، از کار زنان (عمدتاً زنان

کارگران کشاورزی) به عنوان نیروی کار ارزان در مزارع استفاده می‌شد. به‌طور کلی اصلاحات ارضی باعث شد تا از نیروی کار زنان به صورت حاشیه‌ای استفاده شود<sup>(۱۶)</sup>. از تأثیرات اصلاحات ارضی یکی مکانیزه شدن و سرمایه بر شدن کشاورزی بود که در بعضی از کشتها منجر به بیکاری زنان شد زیرا بکارگیری بذر اصلاح شده و انواع علف‌کشها، عملیاتی مانند وجین کاری را کاهش داد و یا بکارگیری کمباین در برداشت محصول مشارکت زنان در امر برداشت را به مقدار زیادی کم کرد.

پس از انقلاب اسلامی، گرچه نظامهای بهره‌برداری تغییرات چندانی نکرد، اما فرایندهای توسعه کشاورزی بر روی نقش زنان بی‌تأثیر نبوده است. در کشت محصولات کاربر (مانند برنج و توتون) همچنان نقش تولیدی زنان به قوت خود باقی است و حتی در مزارعی که به صورت تجاری درآمد است و محصولات نقدی تولید می‌کند، از زنان روستایی به عنوان منبع نیروی کار ارزان (به صورت کارگران کشاورزی) استفاده می‌شود. اما در کشت محصولات سرمایه بر (مانند گندم) به علت بکارگیری ماشین آلات کشاورزی، در نظامهای بهره‌برداری سرمایه‌داری با کاهش در استفاده از نیروی کار زنان روبرو شده‌ایم.

در حال حاضر به علت رایج بودن نظام بهره‌برداری دهقانی مستقل، از نیروی کار زنان در مزارع خانوادگی به‌عنوان کارگران خانوادگی بی‌مزد استفاده می‌شود که این امر خود باعث شده ارزش واقعی مشارکت زنان در تولید مازاد اقتصادی خانوارهای دهقانی نمایان نباشد. در اصل، امروزه در کشاورزی خرد، کار زنان ضروری است. زنان از عناصر اصلی جلوگیری سقوط خانوارهای دهقانی به پایگاه کارگری محسوب می‌شوند. در واحدهای دهقانی مستقل رابطه‌ای بین میزان زمین و مشارکت زنان در عملیات کشاورزی وجود دارد. در واحدهای بزرگ، زنان بیشتر سعی می‌کنند در کارهای خانگی مشارکت کنند. در واحدهای متوسط زنان به صورت کارکنان کشاورزی خانوادگی بی‌مزد انجام وظیفه می‌کنند و بالاخره در واحدهای خرد، زنان مجبور به کار در مزارع دیگران به صورت کارگر مزدی هستند. پس نقش اقتصادی زنان خانوارهای دهقانی متوسط و روبه پایین، چشمگیرتر از خانوارهای دهقانی غنی است.

کار زنان در بخش کشاورزی بهره‌گیری پیش از حد از این طبقه است زیرا به هیچ وجه از وظایف خانگی آنها نمی‌کاهد و در نتیجه در مقایسه با زنان صرفاً خانه‌دار، زحمت بیشتری را تحمل می‌کنند. در واقع باید برای زنان روستایی که در فعالیتهای کشاورزی مشارکت دارند و از لحاظ اقتصادی در تولید مازاد اقتصادی سهم هستند، اهمیت بیشتری قائل شد زیرا آنها نه تنها در بازتولید نیروی کار سهم هستند، بلکه در بازسازی اقتصاد خانواده نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

حال که زنان از لحاظ اقتصادی در بسیاری موارد در زمینه کشاورزی نه تنها از مردان روستایی کمتر نیستند، بلکه جلوتر هم هستند، باید جامعه برای آنها اولاً حق آب و زمین قائل شود، ثانیاً به آنان اجازه دهد تا دسترس به اعتبارات داشته باشند، ثالثاً حق استفاده از تکنولوژیهای نوین را به دست بیاورند، رابعاً عضویت کامل در تعاونیها و برخورداری از تساوی حق رای داشته باشند، و خامساً حق استفاده از آموزشهای ترویجی را پیدا کنند. از این طریق است که زنان کشاورز نقش واقعی خود را در جامعه زراعی ایران به دست خواهند آورد.

### نتیجه‌گیری

از بررسیهای این مقاله نتیجه گرفته می‌شود که نخست به نقش و پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی به طور کلی و کشاورزان زن در بررسیهای جامعه‌شناختی و اقتصاد کشاورزی باید اهمیت بیشتری داده شود و جایگاه خاصی در تحقیقات برای آنها در نظر گرفته شود. اگر زنان کشاورز در جامعه زراعی ایران اهمیت دارند و دارای نقش تعیین‌کننده می‌باشند، پس در پژوهشها باید به صورت مشخصی مورد بررسی قرار گیرند.

دوم، از لحاظ بررسیهای آماری، زنان کشاورز در سرشماریها و آمارگیریهای کشاورزی، دقیقتر تعریف و تقسیمبندی شوند تا نقش واقعی آنها از نظر نیروی فعال جامعه روشن شود. از آن جایی که دختران روستایی از سنین پایین وارد فرایند تولید کشاورزی یا فراورده‌های جانبی می‌شوند، لذا باید در

تعاریف مربوط به اشتغال زنان روستایی تجدید نظر کلی به عمل آید تا ارزش واقعی کار زنان و سهم آنها در ارزش افزوده کشاورزی مشخص شود. باید توجه داشته باشیم که قشر زنان کشاورز، قشری منحصر به فرد است زیرا از این قشر در جامعه شهری نداریم، پس باید مورد توجه خاص واقع شوند.

سوم، سهم زنان در نیروی کار بخش کشاورزی بسیار بالاست، با این حال کار آنها زیاد مرئی نیست. قسمت عمده زنان شاغل در بخش کشاورزی، در چارچوب کار خانوادگی بدون مزد، مشغول وظیفه هستند. به همین لحاظ است که ارزش افزوده کشاورزی به وسیله آنها درست محاسبه نمی‌شود. زنان روستایی در بخش کشاورزی نیاز به حق و حقوق مشخصتر و معینتری دارند و باید به آنها در برنامه‌ریزیهای اقتصادی - اجتماعی کشور بهای کافی داده شود.

چهارم، اگر زنان کشاورز بالفعل در تولید کشاورزی شدیداً سهم هستند، پس به عنوان کشاورزان مؤثر باید مورد آموزشهای هم‌تراز با مردان قرار گیرند. حتی در بعضی موارد که زنان نقشهای خاصی در کشاورزی انجام می‌دهند، باید آموزشهای ویژه‌ای هم برای آنها در نظر گرفته شود. هرگونه کوتاهی در آموزشهای کشاورزی زنان، در واقع به تأخیر انداختن فرایند توسعه کشاورزی است.

پنجم، ورود هرگونه تکنولوژی به بخش کشاورزی نباید از نقش فعال زنان در این زمینه بکاهد. باید به روستاییان تفهیم کرد که زنان می‌توانند همانند مردان در بکارگیری تکنولوژیهای کشاورزی سهم باشند و این امر در درازمدت به نفع خانوار کشاورزی خواهد بود.

## منابع

### الف: فارسی

۱. بنی هاشمی، فروغ. «جلوه‌هایی از کار و تلاش زنان روستایی در بهینه‌کوبی بی‌انتهای جهاد روستا». ۱۳ (۳۰۸) مهرماه ۱۳۷۲: ۱۱ - ۱۵.
۲. جهاد سازندگی. بررسی وضعیت موجود زنان روستایی تهران: وزارت جهادسازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، ۱۳۷۲. ج. ۱ و ۲.
۳. جهاد، ۱۴ (۱۶۹) آذرماه ۱۳۷۳.
۴. سازمان تحقیقات کشاورزی، دفتر توسعه فعالیتهای زنان روستایی. «آموزش زنان روستایی انتقال نوآوری به روستاهای زن روز (۱۳۳۷ و ۱۳۳۸) ۱۳ آذرماه ۱۳۷۲.
۵. رجیبی، ماهرخ. تحولات تکنولوژی و اشتغال زنان روستایی ایران، ۱۳۴۵ - ۱۳۵۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی دانشگاه شیراز، ۱۳۷۳.
۶. لسهایی زاده، عبدالعلی. جامعه‌شناسی کشاورزی. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲.
۷. جامعه‌شناسی توسعه روستایی. تهران: انتشارات سمت، [۱۳۷۲؟].
۸. مرکز آمار ایران. درصد سرشماری کل کشور ۱۳۶۵، نشریه یک. تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۶.
۹. سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مهرماه ۱۳۶۵، نتایج تفصیلی کل کشور. تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷.
۱۰. ایران در آینه آمار ۱۳۶۹، شماره ۱۰. تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۱.
۱۱. سالنامه آمار کشور ۱۳۷۰. تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۱.
۱۲. سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مهرماه ۱۳۶۵، نتایج تفصیلی مهاجرت. تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۲.
۱۳. مشهور، حسین. «بررسی جنبه‌هایی از اثرات اشتغال زن بر خانواده‌های روستایی اطراف تهران»، نامه علوم اجتماعی، ۲، شماره (۲) ۱۳۵۵: ۳۴ - ۹.
۱۴. مطیع، ناهید. «تحول نقش زن روستایی ایران در فعالیتهای زراعی». زنان، (شماره ۱۴) مهر و آبان ۱۳۷۳: ۱۹ - ۲۳.



## ب: انگلیسی

1. ILO. International Recommendations on Labour Statistics. Geneva: ILO, 1986.

### پانویس

- (۱) لهسایی زاده، ۱۳۷۲: ۲۹ - ۳۰.
- (۲) مشهور، ۱۳۵۳، رجیبی، ۱۳۶۷، بنی هاشم، ۱۳۷۲.
- (۳) جهاد سازندگی، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳.
- (۴) لهسایی زاده، زیر چاپ.
- (۵) مرکز آمار ایران، ۱۳۷۱ (ب): ۱ - ۴۸.
- (۶) مرکز آمار ایران، ۱۳۶۶.
- 7) Kandiyoti; 1985: 180
- (۸) مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷.
- (۹) قبلی.
- 10) ILO, 1976: 290
- (۱۱) مرکز آمار ایران، ۱۳۷۱ (الف): ۶۷.
- (۱۲) مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷.
- (۱۳) مرکز آمار ایران، ۱۳۷۲: ۷.
- (۱۴) دفتر توسعه فعالیتهای زنان روستایی، ۱۳۷۲، ۸۸ - ۸۹.
- (۱۵) مطیع، ۱۳۷۲: ۲۳ - ۲۲.

شوریه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی